



تیم اقتصادی آقای روحانی تحلیل غلطی از وضع اقتصادی موجود ایران داشتند و به همین دلیل مشاوران آقای رئیس جمهور سیاست‌ها، برنامه‌ها و صحبت‌هایی را به وی منتقل می‌کردند که کاملاً اشتباه بود. کل تحلیل آنها از مسائل سال ۱۳۹۲ بسیار ابتدایی و غیرواقعی بود. به همین دلیل حرف‌های شعارگونه و غیرواقعی در صحبت‌های آنها زیاد بود. هر چه جلو رفتند و با مسائل و مشکلات کار آشنا شدند از سیاست‌های اصلاحی خود عقب‌نشینی کردند و این باعث شد که به مرور فرصت‌های لازم برای انجام این کار نیز از دست برود



# دو گام هدفمندی پارانه‌ها اجرایی نشد

با وجود اینکه بخشی از اهداف طرح هدفمندی پارانه‌ها در سال ۱۳۹۰ اجرایی و محقق شد، اما طرح باید در سه گام اجرا و تکمیل می‌شد که در گام نخست متوقف شدیم

## گزارش

موضوع طراحی و اجرای طرح هدفمند کردن پارانه‌ها در زمان فعالیت دولت‌های نهم و دهم، بزرگترین طرح اقتصادی دولت در آن سال‌ها بود که با پرداخت اولین پارانه نقدی در آذرماه سال ۸۹، کلید خورد. دولت وقت قصد داشت فازهای بعدی طرح را نیز اجرایی کند که البته با اتمام دولت دهم این طرح با بروز برخی مشکلات بین دولت و مجلس وقت، متوقف شد. در کتاب «درس‌هایی از هدفمندی پارانه‌ها»، محمدرضا فرزین، دبیرستاد هدفمندی پارانه‌ها توضیحاتی در این خصوص داده است. در شماره امروز نیز مباحث درباره ایجاد دولت یازدهم و تغییر دیدگاه‌ها در زمینه اجرای طرح هدفمندی پارانه‌ها مورد بحث و بررسی واقع شده است.

به همین دلیل حرف‌های شعارگونه و غیرواقعی در صحبت‌های آنها زیاد بود. هر چه جلو رفتند و با مسائل و مشکلات کار آشنا شدند از سیاست‌های اصلاحی خود عقب‌نشینی کردند و این باعث شد که به مرور فرصت‌های لازم برای انجام این کار نیز از دست برود. نکته بعدی اینکه طرح‌هایی مثل هدفمندی پارانه‌ها و هر طرح بزرگ اقتصادی دیگری نیازمند یک قدرت سازماندهی بزرگ در دولت است. به عنوان مثال اگر در حال حاضر بخواهیم بحث مالیات‌ها و پایه‌های مالیاتی جدید را معرفی کنیم و نظام مالیاتی

همانطور که شما هم اشاره کردید یکی از وزرا در اوایل دولت یازدهم ادعا کرد بزودی ۱۰ میلیون نفر از دریافت پارانه نقدی حذف می‌شوند. عدد ۱۰

میلیون نفر از کجا آمده بود؟ نمی‌دانم، من هیچ وقت با وزیری که این ادعا را مطرح کرده بود در این خصوص صحبتی نداشتم. نمی‌دانم او این عدد را از کجا آورده بود. در اوایل دولت آقای روحانی فرم‌هایی تهیه شد و قرار بود مردم آنها را پر کنند و از دریافت پارانه نقدی نیز انصراف دهند. خیلی هم در این باره تبلیغات صورت گرفت. رسانه‌ها و حتی تلویزیون نیز پای کار آمدند. حتی هنرمندان و ورزشکاران نیز به صحنه آمده و با دولت به شدت همکاری کردند.

● اما جالب اینجاست اغلب مردم حاضر نشدند از دریافت پارانه نقدی انصراف دهند. تحلیل‌تان در این باره چیست؟ به نظرتان چرا مردم از گرفتن پارانه نقدی انصراف ندادند و طرح دولت شکست خورد.

بله، همان‌طور که گفتید طرح شکست خورد و این باز به تحلیل‌های غلط برمی‌گردد. همان موقع در مقاله‌ای به دلایل شکست طرح اشاره کردم. به نظر من برای این کار مطالعه کافی، سازماندهی لازم و ارزیابی دقیق صورت نگرفته بود و با مردم نیز صحبت نشده بود. برای هدفمندی پارانه‌ها لازم است که حتماً با مردم صحبت شود. چون این طرح روی زندگی تک تک افراد جامعه از طبقات متوسط تا فقیر تأثیر می‌گذارد. خیلی مهم است که مردم طرحی را بپذیرند و قانع شوند که این طرح می‌تواند آثار مثبتی برای اقتصاد کشورشان داشته باشد. دولتی‌ها در این طرح این کار را نکرده بودند و تنها به یک پرسشنامه کلی و غیرکارشناسانه اکتفا کردند. من نمی‌توانم قضاوت کنم که چه کسی در دولت این کار را انجام داد اما این مسئله واقعاً باعث شد که دولت اعتماد به نفس خود را

## کتاب

### به اهداف کوتاه‌مدت هدفمندی رسیدیم

البته اهداف کوتاه‌مدت و میانی طرح یعنی کاهش مصرف انرژی و کاهش فقر و نابرابری محقق شد. اگر به آمارها مراجعه کنیم و از تحلیل‌های سیاسی و غیرکارشناسی که متأسفانه از پس تکرار شده به باور تبدیل شده است، عبور کنیم و نگاه واقع بینانه‌ای داشته باشیم، می‌بینیم بخشی از این اهداف در سال ۱۳۹۰ محقق شد اما همان‌طور که قبلاً هم توضیح دادم طرح باید در سه گام اجرا می‌شد و ما در گام اول متوقف شدیم. در سال ۱۳۹۰ ما نه تنها رشد مناسبی داشتیم بلکه ضریب جینی و نابرابری شدیداً کاهش یافت و مردم از پایه درآمدی مطمئنی برخوردار شدند که حتی پس از سال‌ها کاهش ارزش پول و تورم همچنان در تأمین مالی افراد محروم جامعه سهم دارد. از طرف دیگر اگر به سهم درآمدی آن در تأمین مالی دولت در قالب بودجه سال‌های اخیر توجه کنید، درآمد حال حاضر این طرح بالغ بر ۱۴۰ هزار میلیارد تومان است که خود این رقم به تنهایی یک بودجه مکمل برای دولت به شمار می‌رود. به این فکر کنید که اگر درآمد این طرح نبود دولت چگونه می‌توانست این درآمد عظیم را در بودجه محقق کند. برای مثال تمام مالیاتی که دولت در سال گذشته اخذ کرده کمتر از این رقم است. یعنی دولت بدون درآمدهای این طرح یا باید درآمدهای مالیاتی خود را حدوداً سه برابر می‌کرد یا اینکه مخارج خود را به شدت کاهش می‌داد که هر دو این اقدامات غیرممکن به نظر می‌رسد. از طرف دیگر لایحه اصلاح نظام مالیاتی پیشنهادی دولت دهم نیز در مجلس معلق ماند و فرصتی برای اجرای آن به وجود نیامد تا اینکه در نهایت با ایجاد تغییراتی در دولت یازدهم تصویب شد.

